بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مرور گذشته 2](#_Toc435270329)

[فرع سوم: ترتب بین مراتب کلی و بین شیوه‌های مراتب 2](#_Toc435270330)

[بررسی قاعده الاسهل فالاسهل و الایسر فالایسر 3](#_Toc435270331)

[مطالب کلی پیرامون بیان مسئله 3](#_Toc435270332)

[مبحث اول:‌ جواب‌گویی شاخص‌ها به بخشی از سؤال 3](#_Toc435270333)

[احتمال تأثیر و عدم احتمال تأثیر 3](#_Toc435270334)

[مبحث دوم:ترتب روش‌های حلال و حرام یا بین محرم اخف و اشد 4](#_Toc435270335)

[استدلال اول 4](#_Toc435270336)

[نکته: 5](#_Toc435270337)

[استدلال دوم: دلیل انصراف 5](#_Toc435270338)

[جمع‌بندی 5](#_Toc435270339)

[مبحث سوم: اشتمال محرم بر مراتب سه‌گانه امربه‌معروف و نهی از منکر 6](#_Toc435270340)

[خاطره: 6](#_Toc435270341)

[جمع‌بندی 6](#_Toc435270342)

# مرور گذشته

به‌تدریج به بخش‌های پایانی مباحث امربه‌معروف و نهی از منکر نزدیک می‌شویم. البته تکمله‌هایی با نگاه‌های تربیتی و تعلیماتی داریم که خدمت شما عرض می‌کنیم.

در ادامه بحث، به مراتب رسیدیم. حاصل چیزی که در جلسات قبل عرض کردیم، این بود که ما به استناد مجموعه‌ی روایات، (البته باید بگوییم که به استناد یک یا چند روایت خاصه‌ای که سنداً‌ و دلالتاً تام باشد این مطلب را بیان نمی‌کنیم) مرتبه عملی امربه‌معروف و نهی از منکر را پذیرفتیم. همان‌طور که بیان کردیم، ‌این مجموعه روایات، در حکم دلیل حاکم نسبت به ادله امربه‌معروف و نهی از منکر است. البته این نوع حکومت، حکومت تأمینی است. امرونهی،‌ عملیات خارجی برای بازدارندگی از منکر و واداشتن به معروف است؛ منتهی اگر کسی این را نپذیرد، حداقل این مجموعه روایات، قاعده‌ای به‌عنوان رفع و یا دفع منکر را به ما می‌دهد.

بر اساس نتیجه‌گیری مذکور، ذیل مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر وارد فروعاتی شدیم. چند فرع را در جلسه قبل بررسی کردیم.

# فرع سوم: ترتب بین مراتب کلی و بین شیوه‌های مراتب

فرع بعد پاسخ به این سؤال است که آیا بین مراتب و یا در درون مراتب، ‌بین انواعی که وجود دارد،‌ رتبه‌بندی و درجه‌بندی به شکل الزامی وجود دارد یا خیر؟

اکنون باید ببینیم آیا ترتبی بین مراتب به معنای کلی و در درون مراتب بین شیوه‌ها وجود دارد یا خیر؟

این سؤال در واقع به دو سؤال تبدیل می‌شود:

الف) بین مراتب چندگانه، ترتب الزامی وجود دارد؟ معنای این سؤال این است که مراتب امربه‌معروف (قلب، لسان، دست) بینشان ترتب الزامی است؟ منظور از مرتبه قلب، همان علائم قبل زبانی است. مثل اخم،‌روبرگرداندن و ... . این ترتب مذکور یعنی اینکه تا مرتبه قلب میسر است، نوبت به لسان نمی‌رسد. تا لسان میسر است،‌نوبت به عمل نمی‌رسد.

ب) آیا در خود مراتب، ترتب الزامی وجود دارد؟

در همان مرتبه لسانی، به چند شکل می‌توانیم بیان کنیم، مثلاً با زبان تند یا خوشایند بگوییم. یا در مکان خلوت و جمع به وی گفت. یا اینکه در موقع زمانی مناسب (وقت نشاط، وسط روز) یا غیر مناسب (بی‌حالی، کسلی، موقع بیداری از خواب) به وی گفت.

## بررسی قاعده الاسهل فالاسهل و الایسر فالایسر

این یک قاعده است و به این منظور است که مرتبه‌ای که آسان‌تر و روان‌تر است را برگزینید. این قاعده حتی به جایی تعبیر شده است که روشی که در آن خوش‌برخوردی بیشتری است و خشونت کمتری وجود دارد، برتری دارد. اکنون باید ببینیم که آیا بین مراتب کلی بر اساس این قاعده، یک رتبه‌بندی وجود دارد یا خیر؟ درجات نیز بر حسب راحتی، سختی، مهربانی،‌خشن‌ بودن، رتبه‌بندی شده است یا خیر؟ این سؤال کلانی است که تبدیل به سؤالات ریزتر می‌شود.

## مطالب کلی پیرامون بیان مسئله

از منظر کلی، در تحقیق مسئله به چند مطلب اشاره می‌کنیم:

## مبحث اول:‌ جواب‌گویی شاخص‌ها به بخشی از سؤال

### احتمال تأثیر و عدم احتمال تأثیر

احتمال تأثیر و عدم احتمال آن، بخشی از سؤال را پاسخ می‌دهد. البته ممکن است خارج از بحث باشد. این شاخص،‌احتمال تأثیر است.

شروط دیگری نیز که بیان کردیم،‌شاخص‌های دیگری است که به بخش اعظمی از سؤال ما جواب می‌دهد.

شاخص‌ها منطبق بر مراتبی که ما گفتیم نیست. یک شاخص‌ احتمال تأثیر است؛ که می‌توانیم از صفر تا صد آن را درجه‌بندی کنیم.

ما سه رتبه داشتیم، یک رتبه نشانه‌های قلبی است، دیگری نشانه‌های زبانی است و دیگری عملی است. انواع روش‌ها در این طیف گنجانده شده است. یکی از شاخص‌ها احتمال تأثیر است؛ یعنی چیزی را که احتمال تأثیر می‌دهی،‌انجام بده ‌و موردی را که احتمال تأثیر نمی‌دهی،‌انجام نده! شاخص احتمال تأثیر، منطبق بر این مراتب نیست؛ گاهی بر این مراتب منطبق است، زیرا گاهی ممکن است این شاخص در همین ترتیب باشد، مثلاً: روش آسان و راحت اخم اگر کارآمد است را انتخاب کن، ‌ولی روش‌های دیگر اثر نمی‌کند و انتخاب نکن. یا اینکه برعکس. مثلاً زبانی اثر می‌کند ولی اخم اثر نمی‌کند که در نتیجه باید زبانی امر به معروف و نهی از منکر بکند. اگر بخواهیم به صورت کلی بگوییم، به این شکل می‌شود که گاهی خفیف اثر می‌کند و نباید سراغ شدید رفت. گاهی نیز خفیف اثر نمی‌کند و باید به سراغ شدید رفت.

در اینجا ترتبی وجود دارد. ترتب در اینجا تابع ملاک احتمال تأثیر است. البته باید گفت ترتبی وجود ندارد و تعین وجود دارد؛ یعنی چیزی که اثر می‌کند،‌باید انتخاب کنیم.

یا ممکن است شاخص، امکان ضرر باشد. البته باید بگوییم که این شاخص، ‌از بحث خارج است. بحث ما در جایی است که دو مرتبه که هر دو شرایط را دارا هستند و یکی نرم و دیگری تند است.

در جایی که شروط در دو مرتبه وجود دارد، مورد بحث ما است. در جایی که دو مورد وجود دارد یکی شرط را ندارد و دیگری شروط را داراست؛ قطعاً موردی که شروط را داراست را باید عمل کنیم.

البته باید بگوییم که واجدیت شرایط، متفاوت است. قاعده به این شکل نیست که همیشه بگوییم اخف مقدم است؛ گاهی ممکن است اشد مقدم باشد.

## مبحث دوم: ترتب روش‌های حلال و حرام یا بین محرم اخف و اشد

مطلب بعد این است که اگر مجموعه روش‌ها با هم مقایسه کنیم، بعضی روش‌ها مشتمل بر فعل حرام هستند و بعضی نیستند.

بحث ما در این قسمت در جایی است که شروط در تمام موارد جمع است، (همه روش‌ها اثر می‌کند) ولی بعضی از این روش‌ها مشتمل بر فعل حرام است و بعضی مشتمل بر فعل حرام نیستند. مثلاً روشی که در آن اخم وجود دارد، اخم، دارای حرمت نیست، ‌نهایتاً کراهتی داشته باشد. (همان‌طور که می‌دانیم مطلق روش‌های ایذا، حرام نیستند) بعضی‌ روش‌ها در آن حرام وجود دارد.

در اینجا ظاهر کلام این است که جمع ادله امربه‌معروف و نهی از منکر که شامل جاهایی که حرام بود نیز می‌شد؛ و ادله‌ای که مشتمل بر محرم است، نتیجه‌ای به ما می‌دهد و آن این است که امری که مشتمل بر حرام نیست، مقدم بر امری است که مشتمل بر حرام است.

### استدلال اول

دلیل این امر،‌ارتکاز فقهی است. ادله امربه‌معروف و نهی از منکر شامل روش‌هایی که مشتمل بر حرام فی نفسه است، می‌شود. این شمول ادله امربه‌معروف و نهی از منکر، نسبت به اقداماتی که در آن حرامی وجود دارد (کتکی زده می‌شود) با دلیل تواتر اجمالی درست شد. قطعاً در اینجا باید قدر متیقن را بگیریم.

همان‌طور که گفتیم بخشی از مرتبه عملی امربه‌معروف و نهی از منکر شامل محرمات می‌شود؛ زیرا مجموعه ادله بیان داشت که این نیز جزء مراتب امربه‌معروف است. چون دلیل مجموعی بود،‌ باید قدر متیقن آن را بگیریم و بگوییم که شامل اعمال محرمی می‌شود که نشود از طریق حلال آن‌ها را محقق کنیم. اعمال محرم دو صورت دارد، گاهی طریق منحصر است و گاهی نیز طریق منحصر نیست. در اینجا باید قدر متیقن بگیریم و آن نیز در جایی است که منحصر است.

اگر بین دو محرمی باشد که درجه آن متفاوت است؛ مثل شکستن دست، یا سیلی زدن. در اینجا نیز می‌گوید محرم اخف، مقدم است. یا به عبارتی می‌گوییم که روش حرام نباید روش حرام اخف‌تر در پیش روی آن باشد.

به صورت کلی باید بگوییم که:‌ روش‌های غیر محرم، مقدم بر محرم است و روش‌های محرم اخف، مقدم بر روش‌های محرم اشد است. دلیل این‌ها نیز همان‌قدر متیقن بود که در بالا بیان داشتیم. قدر متیقن نیز محدود به دو مورد مذکور می‌شود، یعنی مادامی‌که حلال نباشد و مادامی‌که حرام اخف نباشد.

بحث امروز مشمول ادله جواز و امتناع امرونهی نیست. بحث ما مثل جهاد و لاضرر است. در مفهوم جهاد، ‌ضرر وجود دارد. در اینجا نیز وقتی امربه‌معروف و نهی از منکر عملیاتی داریم، کارهای غیر جایز نیز جایز می‌شود. در نتیجه محرمات فی حد نفسه‌ای را می‌شود برای رتبه عملیاتی امربه‌معروف و نهی از منکر متصور شد.

#### نکته:

از استدلال مذکور، نمی‌توانیم برای روش‌های حلال استفاده کنیم. یا اینکه حتی ترتب بین روش‌های حرام‌ هم‌ارز استفاده کنیم؛ اما از این استدلال، ترتب بین حلال و حرام و حرام اخف و اشد،‌به دست می‌آید.

### استدلال دوم: دلیل انصراف

استدلال دوم این بحث این است که اگر مسیر قدر متیقن را نرویم و دلیل اطلاق لفظی داشتیم؛ مثلاً دلیلی به صراحت می‌گفت که ضرب‌وجرح نیز امرونهی است. در اینجا نیز باز همین حرف مذکور را می‌زدیم و بیان می‌کردیم که به خاطر ارتکازات عرفی، منصرف به جایی است که راه حلال نباشد. در اینجا ادعای انصراف وجود داشت.

#### جمع‌بندی

در مطلب دوم می‌گوییم که حلال بر حرام مقدم است و حرام اخف بر حرام اشد مقدم است؛ و برای این مطلب دو دلیل آوردیم:

الف) دلیل را قدر متیقن می‌دانیم که قدر متیقن نیز همان مطالبی بود که در بالا ذکر کردیم.

ب) دلیل دوم،‌انصراف است. حتی اگر اطلاقی را قائل باشیم، این اطلاق به جایی که حرام نمی‌شود و یا حرام اخف نمی‌شود، ‌انصراف دارد.

## مبحث سوم: اشتمال محرم بر مراتب سه‌گانه امربه‌معروف و نهی از منکر

اشتمال بر محرم یا عدم محرم، اختصاص به مرتبه عملی ندارد. ممکن است اشتمال بر محرم در مراتب دیگر باشد. (منظور همان محرم فی حد نفسه است). ممکن است در مراتب قلبی و لسانی نیز باشد. ممکن است حتی در اخم، شرایط ایذا وجود داشته باشد. یا مثلاً دست ندادن به خانم‌ها ممکن است ایذایی در آن باشد که بسیار سخت باشد.

### خاطره:

سالیان قبل، در فرانسه سخنرانی داشتم، خانمی سالخورده نیز وجود داشت. فضا کاملاً علمی بود. متأسفانه کسانی که باید مقدماتی را برای شنوندگان بیان می‌کردند، بیان نکرده بودند. این زن، دست داد و ما دست ندادیم، به‌قدری این خانم ناراحت شد که کاملاً مشهود بود. حتی آن‌قدر زن شیفته سخنرانی شده بود که شاید به اسلام گرویده می‌شد. این در حد یک اهانت به این زن بود.

البته دنیای امروز خیلی فرق کرده و چند فرهنگی است. خیلی راحت می‌توانید از قبل بگوییم که دست دادن برای ما جایز نیست.

#### جمع‌بندی

از این مطالب می‌توانیم بگوییم که مراتب غیرعملی (یدی) نیز اشتمال بر یک حرام ذاتی دارد. اگر دلیلی وجود داشته باشد و اطلاقی باشد، باید قائل به انصراف بشویم.

مرتبه چهارم، در مورد مواردی است که همه حلال هستند. فقط تفاوت‌های ریزی دارند که این را در جلسه بعد، بحث خواهیم کرد.